

چکار کرده ایم! به جای چه باید کرد! اعلام موجودیت یک وبلاگ

آراگون

چهارشنبه دوم مرداد ۱۳۸۷

وقت آن فرا رسیده است که به خود بیاییم و این سوال به جا را از خود بپرسیم که ما یعنی طیف وسیع جریانهای ضد سرمایه داری در این دنیای پر آشوب کجا ایستاده ایم کارنامه اعمال! خود را ورق بزنیم و با دیدی واقع بینانه دستاوردهای خود را با شجاعت و شهامت بررسی کنیم، سوزنی به خود بزنیم و جوالدوزی به دیگران! این موضوع فواید زیادی! را در پی خواهد داشت. ما باید این تفکر را که تاریخ پدیده ای متافیزیکی و حاصل تخیلات آشفته تاریخ نگاران است را رد کنیم، تاریخ ساخته پراتیک هم نوعان ما در طی دورانی است که تضادهای اجتماعی اقتصادی و همکاریهای انسانی فرهنگ و تمدنی را برای ما به ارث گذاشته که آثار و عواقب آن در زندگی روزمره ما جاری است و سرنوشت ما را به واسطه مناسباتی که خارج از اراده ما به ما تحمیل شده است تحت شعاع خود قرار داده است. ما نا خواسته پا به دنیایی می گذاریم که باید تمام عمر برای بقا در حال مبارزه باشیم همه آموزش و تربیت و پرورش ما از بدو تولد تا نهایت در راستای کسب شغل و تامین معیشتی برای زیستن است و اکثراً از تعالی و شکوفایی خصیصه های انسانی که وجه ممیزه ما با دیگر جانداران است بی بهره می مانیم تو گویی دست آورد تکامل ما فقط یک تکنولوژی نابودگر روح و روان انسانی ماست که ما را در چنبره خودش به قسمتی از اجزای آن مبدل ساخته است یک الیناسیون کامل، بنا بر این نادیده گرفتن آنچه که بر سرانسان رفته است و پا فشاری برای قرینه سازی وقایع تاریخی بدون توجه به شرایط زمانی و ملانی و اجتماعی راه به جایی نخواهد برد به خود آمدن یعنی بادیدی ابژکتیو و در پیوستاری زمانی و منحنی شکل به تاریخ نگریستن است که تاریخ را به زمان اکنون ما آورد.

دوم اینکه ما اگر تاریخ را آنچنانکه بوده و از بعدی عمل گرایانه و بدون سوگیری ورق بزنیم و دچار هیچ هیجان و بزرگنمایی نشویم و نقاط کور و ظعفی را که در تقابل با تاریخ نویسی بورژوا نادیده گرفته شده است، خود افشا کنیم مسلماً نگرش ما به عملکرد اسلافمان با قضاوتی از روی انصاف و عدالت خواهد بود و جلو هجمه وسیع پروپا گاندای بورژوازی در تحریف تاریخ و نادیده گرفتن همه آن دستاوردهای با ارزش و حیاتی مقاومت طبقه تحت ستم را خواهد گرفت و از طرفی در پراتیک و چه باید کرد ما نقشی روشنگرانه را ایفا خواهد کرد.

با این اوصاف وقتی نگاهی واقع گرایانه به وضعیت جامعه بشری و همه آن نابرابری و فقر و فلاکت و بیماری، آوارگی جنایت جنگ و کشتار و نقض حقوق انسانی، اعتیاد، بردگی جنسیتی، انهدام روزمره محیط زیست و... که بر آیند مستقیم بدون چون و چرای تقابل جنبش وسیع ضد سرمایه و گسترش روز افزون و اختاپوس وار نظام طفیلی بورژوازی است می اندازیم بی درنگ در می یابیم که ما چه کارها که نکرده ایم! ما اگر برای صلح جنگیده ایم، خود در جنگی گرفتار شده ایم که در آن میلیونها انسان بی گناه به خاک و خون کشیده شدند خانه ها مزارع جنگلها ویران شده اند ریر ساختمانی که حاصل رنج تاراج شده ارزش افزوده ما بوده نابود گشته است و دست آخر از صلح خبری نبوده که هیچ بنای منازعات

آتی را برای هم نوعانمان ارزانی داشته ایم! ما اگر ساعت کار را از کارشبانه روزی با اعمال شاقه! را در مقطعی تاحدی کاهش داده ایم هم اکنون هم طبقه ای هایمان در اکناف جهان هنوز در بردگی اعلان نشده در زیر یوغ سرماه با حد اکثر توان فرسودگی به کارمشغولند و میلیونها به دنبال هم چین کاری! ویلان ودست به دامان هستند، ما اگر برای لغو کار کودکان تلاش کرده ایم، میلیونها کودک از بدچشم گشودن به زندگی نکبت بار خود را در پنجه اهریمن سرمایه گرفتار می بینند و شورو شوق زندگی وبازی و شیطننت کودکانه را برای ماندن و ادامه استثمار به تاراج می دهند و با روحی آزرده و شکست خورده پا به دنیای بزرگسالی می گذارند تا باز تولید کنند هر آنچه خشونت و جفایی که بر سرشان آمده است.

ما اگر حق رای را برای هموعان به بار آورده ایم و زن را از قعر زنده به گورشدن و غارت جسم و روحش به حد اعلا شایستگی و ستایش رسانده ایم هنوز در برابر دیدگان ما زن را به مثابه کالا معامله میکنند در مسلخ عشق به دارش می کشند، سنگسارش می کنند، در حجاب می کشانندش حاصل کارش را در خانه نادیده می انگارند و از هم حزبی هایش هم طبقه ای هایش! تحقیر می کشد. ما اگر فاشیسم را شکست دادیم ، قفس آهنینی از دولتی توتالیتر برای خود ساختیم و هر آنکس را که ندای حق سرداد به گولاک فرستادیم به اعتراف به ناکرده هایش واداشتیم به رگبار بستیم، ما اختیار انسان را به ثمن اندک نانی خریدیم و آزادی را به آرزویی دور دست در کنج ذهن ها عقب نشانیدیم و بلایی را بر سرش آوردیم که دشمنانش از انجامش ناتوان بودند. اختیار خود را به دست کسانی دادیم که قدرت رایکسره تا عمق زندگی، کار و فکر و اندیشه و روان ما گستراندند و از ما موجوداتی ثنا گو ساختند که تا به خود آمدیم در یافتیم آنچه را ستایشش می کردیم بت فرسوده ایست که دیر زمانیست لاشه اش فروریخته و ما بی خبریم.

ما اگر اخلاقیات خورده بورژوای را نقد کردیم ، اگر حرص و آز و طمع و را خصایصی غیر پرولتری قلمداد کردیم خود به خاطر رسیدن به بی ارزش ترین مقام حزبی برسروصورت هم کوبیدیم رفقایمان را حذف کردیم برایشان پاپوش دوختیم ایزوله شان ساختیم زندگی را برایشان تباه کردیم ما اگر تعصبات و اعتقادات کهن را به باد تیز نقد گرفتیم و آنها را ناشی از جهل انسان به هستی و پدیده هایش پنداشتیم خود در سخت ترین نوع تعصب ایدئولوژیک منکوب شدیم و دستگاہای فکری گوناگون برای فرقه های گوناگون! به پا کردیم و جار دادیم هر آنکس را که با مانبود با پرولتاریا نبود! ... ساده است همه اینها نادیده گرفتن و گفتن : که کار ما نبود ما بهترینیم، تاریخ گذشته است و گذشته ها بر نمی گردد، آری بی عاری، بی خیالی، خود گول زدن چشم فرو بستن سخت ساده است!!

یکشنبه بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۸۷ توسط farzin

در باره وبلاگ <http://www.araagon.blogfa.com>

انتخاب اسم آراگون برای وبلاگم از روی اتفاق نبود آراگون یکی از مناطقی است که در جریان جنگهای داخلی اسپانیا به صورت یکنوع ساختار کمونی اداره می شد که در آن همه مردم در پیشبرد حیات اجتماعی خود مستقیما نقش داشتند. تولید اجتماعی برای مصرف بود و همه از دسترنجشان بهره می بردند این اوتوپیایی زمینی بود. کمونی که فقط در زیر سایه عشق به آزادی و انسانیت می توانست برپا گردد نه با توسل به فورمولها و نسخه های پوسیده ای که آدمی را تا حد موجودات بدون عاطفه و عشق تنزل می دهند من در این وبلاگ با بیان دیدگاههایم به جمع کسانی که برای تحقق رویاهایشان برای سعادت نوع بشر در همین دنیا قدمی هر چند کوچک برمی دارندخواهم پیوست.

جمعه بیستم اردیبهشت ۱۳۸۷ توسط farzin